



The Impact of Recitation Difference on Jurisprudence: Perspectives of the Two Schools of Thought (Shia and Sunni)*

Jahangir Rakhshandegan¹ and Mohammad Faezi²

Abstract



The issue of various recitations of the Holy Quran represents a significant matter encompassing numerous aspects of theological, jurisprudential, and literary dimensions. One of the facets of this issue is the influence of recitation discrepancies on jurisprudential matters, extensively discussed in the jurisprudential and foundational books of the two major schools of thought (Shia and Sunni). According to the Sunni belief among the general public, all well-known recitations are authoritative, and juridical references can be derived from them. However, scholars from the Shiite perspective deny the legitimacy of conflicting recitations, rejecting reliance on divergent recitations. Given these two distinct approaches, the impact of recitation variations on Shiite jurisprudence significantly differs from its effect on the jurisprudence of the general populace. This article employs a descriptive-analytical method, drawing upon library resources and utilizing assistive software, to compare the impact of recitation discrepancies on Shiite jurisprudence versus that of the general populace. The analysis demonstrates that while multiple recitation variations have led to differences in legal rulings within Sunni jurisprudence and Shiite jurisprudence, despite the potential influence of recitation discrepancies on juridical matters, no instance has been found where recitation variations led to divergent legal verdicts, due to the presence of narrations from the Ahl al-Bayt (Prophet Mohammad's Progeny) in all circumstances.

Keywords: Comparative Jurisprudence, Recitation Discrepancies, Narrations, Shiite Jurisprudence, Sunni Jurisprudence, Legal Verdicts.

*. **Date of receiving:** 10/08/2022, **Date of approval:** 28/05/2023.

1. Level 4 Graduate of the Islamic Seminary and Alumnus of the Holy Imams' Jurisprudence Center; Professor at the Islamic Seminary, Qom, Iran. (Corresponding Author): j_rakhshandegan@miu.ac.ir.

2. Level 4 Graduate of the Islamic Seminary and Alumnus of the Holy Imams' Jurisprudence Center; Researcher the Principles of Jurisprudence Department at the Holy Imams' Jurisprudence Center, Qom, Iran. (m.faezi110@gmail.com).



تأثیر اختلاف قرائات بر فقه از منظر فریقین *

جهانگیر رخسندگان^۱ و محمد فائزی^۲



چکیده

مسأله قرائت‌های مختلف قرآن کریم از مسائل مهم و دارای جنبه‌های متعدد کلامی، فقهی، ادبی است. یکی از جنبه‌های این مسأله تأثیر اختلاف قرائت در مسائل فقهی بوده که در کتب فقهی و اصولی فریقین به آن پرداخته شده است. از نظر مشهور عامه، تمام قرائات مشهوره حجت هستند و می‌توان در فقه به آن استناد نمود. مشهور فقیهان شیعه در فرض اختلاف و تعارض قرائات منکر حجیت قرائات متعدد بوده و احتجاج به قرلنات متنافی را نمی‌پذیرند. با توجه به این دو رویکرد تأثیر اختلاف قرلنت در فقه شیعی کاملاً متفاوت با تأثیر آن در فقه عامه است و در این مقاله با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و استفاده از نرم‌افزارهای پارانهای به بررسی موارد اختلاف قرائت به مقارنه تأثیر اختلاف قرائت در فقه شیعه و عامه پرداخته شده است. در این نوشته ثابت شده، موارد متعدد اختلاف قرائت در فقه عامه موجب اختلاف فتوی گشته است؛ اما در فقه شیعی گرچه اختلاف قرائت می‌توانست مؤثر در مسأله فقهی شود ولی با توجه به وجود روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) در تمامی موارد، هیچ موردی یافت نشد که اختلاف قرائت موجب اختلاف فتوی شود. واژگان کلیدی: فقه مقارن، اختلاف قرائت، روایات، فقه امامیه، فقه اهل سنت، فتوا.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۳/۰۹.

۱. سطح چهار حوزه علمیه و دانش آموخته مرکز فقهی ائمه اطهار ع؛ استاد حوزه علمیه، قم، ایران (نویسنده مسئول):

j_rakhshandegan@miu.ac.ir

۲. سطح چهار حوزه علمیه و دانش آموخته مرکز فقهی ائمه اطهار ع؛ پژوهشگر گروه اصول فقه مرکز فقهی ائمه اطهار ع، قم، ایران:

m.faezi110@gmail.com



مقدمه

یکی از مباحث مطرح شده در قرآن کریم، احکام و فروع دین است. از همین روی کلام الله مجید به عنوان یکی از منابع فقه در نزد مسلمین به حساب می آید و از صدر اسلام فقهای فریقین در فرآیند استنباط اعتنا و توجه اساسی به آیات شریف آن داشته اند. استنباط از قرآن کریم همانند استنباط از سایر منابع شریعت دارای قواعد و ضوابط خاص خود بوده و مورد توجه فقیهان واقع شده است. یکی از مباحث مطرح شده در زمینه نحوه برداشت احکام شرعی از قرآن کریم بحث اختلاف قرائات است. (زرنگار، ۱۴۰۱، ۱۳۱) می دانیم که قرآن کریم دارای قرائات مختلف ست که در بعضی از موارد باعث برداشت متفاوت از متن کتاب الله می شود. حال سوال اساسی در این زمینه این است که در موارد تعدد قرائات کدام یک از این قرائات می تواند برای اثبات حکم شرعی حجت باشد. در علم اصول فقه به این مسأله پرداخته شده و پاسخ های متعددی به این سوال داده شده است که از باب مقدمه بحث در ادامه این مقاله ذکر خواهد شد. همچنین در علم فقه در مواردی که اختلاف قرائت موجب اختلاف در مسأله فقهی است، فقیهان به این مسأله پرداخته اند. در این مقاله با ذکر قرائات مختلف در مواردی که موجب برداشت در آیات الاحکام می شود و مقایسه بین فقه شیعه و عامه در مسأله درصدد تبیین میزان تأثیر بحث اختلاف قرائات در فقه شیعه و عامه هستیم.

از دیرباز در میان دانشمندان مسلمان، مسأله اختلاف قرائات مورد بحث قرار گرفته و کتاب هایی در مورد آن نگاشته شده است، همچنین در خصوص تأثیر اختلاف قرائت در فتوا و فقه باید گفت در دوره های اخیر در میان اهل سنت، کتب و مقالات و پایان نامه هایی در این خصوص نگاشته شده است که می توان به این موارد اشاره نمود: «القراءات المتواترة و أثرها فی الرسم القرآنی و الاحکام الشرعیة» نوشته محمد الحبش؛ «أثر اختلاف القراءات الأربعة عشر فی مباحث العقيدة و الفقه»، نوشته ولید بن إدريس بن عبد العزيز المنيسي؛ «أثر اختلاف القراءات فی الفقه المقارن کتاب المجموع للنووي أنموذجاً»، از عاشور خضراوی؛ «القراءات القرآنية و أثرها فی اختلاف الأحکام الفقهية»، نوشته الدكتور خير الدين سيب و... اما آنچه در میان فقیهان شیعه مطرح بوده، پرداختن به این مسأله در ضمن مباحث فقهی است به این نحو که در ذیل مسائل فقهی اگر اختلاف قرائت در برداشت از آیات قرآن کریم تأثیر داشته باشد به بررسی این تأثیر خواهند پرداخت ولی اثری مستقل در این زمینه یافت نشد. شاید علت اصلی عدم تألیف اثر مستقل در این زمینه این باشد که در فقه شیعه با وجود روایات واصله از اهل بیت علیهم السلام در عمده موارد حکم فقهی مسأله روشن است و اختلاف قرائت تأثیری در آن ندارد. برای پیشگیری از سوء برداشت لازم به تذکر است که رجوع به قرآن کریم از مبانی اصلی فقه شیعه می باشد و

مراد از آنچه بیان شده هیچگاه این نیست که روایات اهل بیت علیهم السلام جایگزین رجوع به قرآن کریم شده‌اند بلکه مدعا این است که مشکل اختلاف قرائات در مراجعه به قرآن کریم و استنباط احکام فقهی از آن در فقه شیعه جدی به حساب نمی‌آید؛ زیرا گرچه قرائات مختلف در نظر مشهور فقیهان می‌تواند موجب اجمال در برداشت احکام دینی شود ولی وجود روایات متعدد فقهی این مشکل را مرتفع ساخته است. به هر حال نسبت به بررسی مقارنه‌ای و تطبیقی بین فقه شیعی و فقه عامه باید گفت پژوهشی به‌صورت تطبیقی به بررسی تأثیر اختلاف قرائت در فقه امامیه و اهل سنت صورت نگرفته است.

الف. اختلاف قرائت

قرئت در لغت به معنای خولدن و همچنین جمع کردن است (ابن منظور، ۳۶۶/۲) ولی برای بیان معنای اصطلاحی آن باید دانست که دو دیدگاه و دو تعریف کاملاً متفاوت در مورد ماهیت قرائت قرآن و به تبع آن قرائات مختلف بیان شده است (نجفی، ۱۴۰۱، ۹). دیدگاه و تعریف اول که مشهور فقیهان شیعه آن را برگزیده‌اند این‌گونه اختلاف قرائت را تعریف مینمایند: «قرئت به معنای تلاوت قرآن به‌گونه‌ای است که از نصّ الهی حکایت می‌نماید و بر حسب اجتهاد یکی از قراء معروف استوار است» (معرفت، ۱۳۸۱: ۱۸۲). بر این اساس اختلاف قرائت، اختلاف قراء در روایت و نقل نص قرآن است (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۳۰/۲). در مقابل دیدگاه دوم که مشهور اهل سنت برگزیده‌اند می‌گوید: «اختلاف قرائت عبارت است از اختلاف مربوط به الفاظ و عبارات وحی که این اختلاف، در مورد حروف و کلمات قرآن و کیفیت آنها از سوی قراء نقل شده است» (زرکشی، ۱۳۷۶: ۳۱۸/۱) وجه تمایز اساسی در این است که در تعریف اهل سنت اختلاف قرائت همان اختلاف وحی تلقی شده و در تعریف شیعه اختلافات ناشی از اجتهادات قراء دانسته شده است.

به هر حال از میان قرئتهای مطرح شده هفت قرئت معروف است: ۱. قرئت عبدالله بن عامر یحصبی؛ ۲. قرئت عبدالله بن کثیر دارمی؛ ۳. قرئت عاصم بن ابی النجود اسدی؛ ۴. قرئت ابو عمرو بن علاء مازنی؛ ۵. قرئت حمزة بن حبيب زیات؛ ۶. قرئت نافع بن عبد الرحمن الليثی؛ ۷. قرئت علی بن حمزه کسائی (معرفت، ۱۳۸۱: ۱۹۰).

ب. حجیت قرائات مختلفه

در دانش اصول فقه از حجیت قرائات مختلف در شیعه و عامه، به دو صورت متفاوت پیگیری شده است. بسیاری از اصولیون شیعه این‌گونه بحث را مطرح نموده‌اند که قرائات مختلفه یا همگی متواتر



هستند و یا خیر. اگر قائل به تواتر قرائات باشیم، دو قرئت مختلف به منزله دو آیه هستند که با هم تعارض می‌نمایند و قواعد باب تعارض جاری است. اما اگر قرائات را متواتر ندانیم و جواز استدلال به هر قرآتی، مثلاً با اجماع ثابت شود، در این صورت حکم مثل قول سابق خواهد بود، اما اگر جواز استدلال ثابت نشد، باید حکم به توقف شود و در صورت عدم وجود مرجح، به قواعد رجوع خواهد شد (انصاری، ۱۴۱۶: ۶۶/۱؛ آخوند خراسانی، ۱۴۰۹: ۲۸۵؛ روحانی، ۱۴۱۳: ۲۲۰/۴) اما بیان تحقیق در اینکه آیا قرائات مختلف همگی متواتر هستند یا خیر؟ نیاز به بحث مفصلی دارد که از مقصود این نوشته خارج است ولی آنچه به نظر صحیح می‌رسد عدم تواتر قرائات است و ادله مختلفی می‌توان بر این امر اقامه نمود (خویی، بی‌تا، ۱۵۱/۱؛ ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷: ۶۳۳/۲).

در مقابل قول مشهور در میان عامه قائل به تواتر قرائات قرآن شده‌اند حتی تا جایی که بعضی قائل به کفر منکرین تواتر قرائات سبع شده‌اند (الزرقانی، بی‌تا، ۴۳۵/۱) بلی در حدود و ثغور این تواتر اختلاف فراوانی وجود دارد (ر.ک: همان: ۴۳۵/۱ - ۴۳۸) به هر حال مشهور میان ایشان تواتر و حجیت قرائات مشهور است به این معنی که می‌توان استدلال به هر یک از این قرائات صحیح است.

ج. بررسی تطبیقی موارد اختلاف قرائت در فقه

گرچه در بیشتر آیات الاحکام اختلاف قرائت وجود دارد ولی در بعضی از این موارد اختلاف موجود در قرائت موجب اختلاف در معنی نشده و یا حداقل موجب اختلاف در مسأله فقهی نمی‌شود از همین روی در بررسی تطبیقی موارد اختلاف قرئت تنها به مواردی پرداخته خواهد شد که اختلاف قرئت موجب اختلاف در معنی شده و در استنباط مسأله فقهی نیز موثر است.

۱. مسأله اختلاف در قرائت آیه وضوء

یکی از موارد که قرائات متفاوت دارد مسأله وضوء است که این آیه مبارکه در مقام بیان آن است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ﴾ (مانده: ۶)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به [عزم] نماز برخیزید/اورت و دستهایتان را تا آرنج بشوید؛ و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین [هر دو پا] مسح کنید».

اختلاف در این آیه مبارکه در قرائت «أَرْجُلَكُمْ» است، سه قول در قرائت این واژه نقل شده است: قول اول: به جر «أَرْجُلِكُمْ» قرائت شده است. این قرائت از عکرمة و قتادة و انس و ابن عباس نقل شده است و برخی از علماء اهل سنت مثل ابن کثیر و طبری همین قرائت را ترجیح داده‌اند (السایس، ۲۰۰۲: ۳۵۷؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۲۲۰/۲؛ الواسطی، ۱۴۲۵: ۸۰/۱؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۹۱/۶؛ طبری، ۱۴۲۰: ۵۷/۱۰؛ رازی، بی‌تا، ۱۲۷/۱۱؛ آلوسی، بی‌تا، ۳۴۶/۶؛ جصاص، بی‌تا، ۴۳۳/۲؛ فراء، بی‌تا، ۲۰۳/۱؛ سیوطی، بی‌تا، ۲۸/۳؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰: ۵۲/۳).

قول دوم: به نصب «أَرَجُلُكُم» قرائت شده است. این قرائت از ابن مسعود، ضحاک، نافع، مقاتل بن حیان، ابن عباس، ابن عامر، عاصم، کسائی نقل شده است (قرطبی، ۱۳۸۴: ۹۱/۶؛ الکیا الهراسی، ۱۴۰۵: ۶۹/۲؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۲۲۰/۲؛ الواسطی، ۱۴۲۵: ۸۰/۱؛ قاضی عبدالوهاب، بی‌تا، ۱۲۵؛ طبری، ۱۴۲۰: ۵۷/۱۰؛ رازی، بی‌تا، ۱۲۷/۱۱؛ آلوسی، بی‌تا، ۳۴۶/۶؛ جصاص، بی‌تا، ۴۳۳/۲؛ فراء، بی‌تا، ۲۰۳/۱؛ سیوطی، بی‌تا، ۲۸/۳؛ ابن کثیر، ۱۴۲۰: ۵۲/۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۱۱/۱)

قول سوم: به ضم «أَرَجُلُكُم» قرائت شده است. این قرائت شاذ از ولید بن مسلم الاعمش و حسن نقل شده است. (ابن جنی، ۱۴۲۰: ۲۰۸/۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۱۱/۱؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۲۲۰/۲)

تأثیر اختلاف قرائت در فقه عامه

در میان فقیهان عامه سه قول در طهارت رجلين بیان شده است: برخی معتقدند طهارت رجلين به شستن است. برخی معتقدند طهارت رجلين به مسح است. و گروه دیگر به جواز طهارت رجلين به مسح و غسل قائل شدند. کسانی که یکی از دو نوع طهارت را تعیین کرده‌اند، یکی از قرائت را ترجیح دادند (ابن رشد، ۱۴۲۵: ۲۱/۱).

قول اول: وجوب غسل رجلين. این قول مختار بیشتر فقهاء و علمای اهل سنت است. (ابن رشد، ۱۴۲۵: ۲۲/۱؛ ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۹۰/۱؛ خطیب شربینی، ۱۴۱۵: ۱۱۰/۱؛ نووی، بی‌تا، ۲۳۱/۱؛ سرخسی، ۱۴۱۴: ۸/۱؛ رازی، بی‌تا، ۱۲۷/۱۱؛ الوسی، بی‌تا، ۳۴۶/۶؛ کاسانی، ۱۴۰۶: ۱۱۰/۱). این قول بنابر قرائت به فتح و ضم است (ابن جنی، ۱۴۲۰: ۲۰۸/۱؛ کاسانی، ۱۴۰۶: ۱۱۳/۱).

نووی می‌نویسد: «مسلمین بر وجوب شستن دو پا اجماع دارند و شخص قابل قبولی مخالف نیست». (نووی، بی‌تا، ۲۳۱). جصاص نیز می‌نویسد: «در مراد از «غسل» در آیه مبارکه اختلاف وجود ندارد» (جصاص، بی‌تا، ۳۴۵/۲).

استدلال: در آیه مبارکه «أَرَجُلَ» بر «وُجُوه» عطف شده است، در حکم با وجوه مشترک است و حکم «وجوه» در آیه مبارکه غسل و شستن بود، پس شستن و غسل پا واجب است.

قول دوم: بین مسح و شستن تخیر است. این قول از حسن بصری و ابن جریر طبری و جبائی و ابن جریج نقل شده است (ابن جنی، ۱۴۲۰: ۲۰۸/۱؛ کاسانی، ۱۴۰۶: ۱۱۲/۱؛ نووی، بی‌تا، ۲۳۱/۱؛ طبری، بی‌تا، ۱۳۸/۶؛ آلوسی، بی‌تا، ۳۴۶/۶).



استدلال: دلیل وجوب مسح و وجوب غسل با هم تعارض دارد و هر قرئت بر ظاهرش حمل می‌شود و حمل یکی از آن دو بر ظاهرش اولی از دیگری نیست. همانطور که هر دو قرئت، از قرآن هستند ثابت است، و جمع بین دو وجوب غسل و مسح صحیح نیست و معذور است. زیرا علمای سلف به آن قائل نشدند. پس مکلف مخیر است (ابن رشد، ۱۴۲۵: ۱۰۶/۲؛ بزار، ۲۰۰۹: ۲۰۶/۲).

تأثیر اختلاف قرائت در فقه امامیه

مسأله مسح رجلین از مسائل مهم و از دیرباز در فقه شیعه معنون بوده است. نسبت به حکم فقهی مسأله در بین فقههای امامیه اختلافی وجود ندارد و وجوب مسح بر رجلین امری مسلم و مورد اجماع ایشان است (طوسی، ۱۴۰۷: ۹۱/۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۷: ۱۴۸/۱؛ شهید اول، ۱۴۱۹: ۱۴۳/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۰۶/۲؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱: ۲۱۵/۱؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۵: ۱۰۵؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۲۵۵/۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۲۸۸/۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ۱۳۶/۱؛ قمی، ۱۴۱۵: ۱۱۸؛ حکیم، ۱۴۱۶: ۳۷۲/۲؛ خونی، ۱۴۱۸: ۱۴۳/۵؛ نراقی، ۱۴۲۲: ۱۹۵) بلکه از ضروریات شمرده شده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۰۶/۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ۱۳۶/۱) و روایات این باب متواتر بیان شده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۰۶/۲؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۲۵۵/۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۸: ۱۳۶/۱؛ حکیم، ۱۴۱۶: ۳۷۲/۲؛ خونی، ۱۴۱۸: ۱۴۳/۵). شیخ طوسی فراوانی روایات مسح رجلین را غیر قابل احصاء دانسته است (طوسی، ۱۴۰۷: ۶۳/۱) به هر حال اصل مسأله واضح و روشن است و تعدد قرائات در آیه شریفه تأثیری در آن ندارد. بلی فقیهان از دیرباز در کتب خود به اختلاف قرائت در این آیه شریفه پرداخته‌اند و بیان داشته‌اند که قرائت «جر» ظهور روشن در وجوب مسح دارد و قرائت «نصب» نیز منافاتی با وجوب مسح ندارد (ابن زهره، ۱۴۱۷: ۵۶؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۰۷/۲؛ خمینی، ۱۴۲۱: ۴۹۴؛ خونی، ۱۴۱۸: ۱۴۳/۵؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۰۳: ۸۶)

۲. مسأله اختلاف در قرائت آیه وجوب وضوء در اثر مس نمودن زن

از آیاتی که اختلاف قرائت در آن موجب اختلاف فتوا شده، آیه ۴۳ سورة نساء است: «أَوْ لَا مَسِّمُ التَّسَاء فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا»؛ «یا با زنان آمیزش کرده‌اید و آب نیافته‌اید، پس بر خاکی پاک تیمم کنید» است. واژه «لَا مَسِّمُ» به دو نحو قرائت شده است:

قول اول: «لَمَسِّمُ» قرائت شده است. این قرائت از ابن مسعود بوده و حمزه، کسائی، خلف، أعمش، مفضل از عاصم، ولید بن عقبه به این صورت قرائت کرده‌اند (طبری، ۱۴۲۰: ۴۰۶/۸؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۲۲۳/۵؛ قاضی عبدالفتاح، بی تا، ۸۹؛ فارسی، ۱۴۱۳: ۱۶۳/۳؛ دانی، ۱۴۰۴: ۹۶؛ ابن مهران، ۱۹۸۱: ۱۸۰؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۵۳۴/۱؛ محمد الحبش، ۱۴۱۹: ۲۵۷؛ ابن القصار، ۱۴۲۶: ۵۲۰/۱).

قول دوم: «لامستّم» قرائت شده است. این قرائت اهل حجاز، نافع، ابن عامر عاصم، ابو عمرو بن علاء و ابن کثیر است. (طبری، ۱۴۲۰: ۴۰۶/۸؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۲۲۳/۵؛ قاضی عبدالفتاح، بی تا، ۸۹؛ فارسی، ۱۴۱۳: ۱۶۳/۳؛ دانی، ۱۴۰۴: ۹۶؛ ابن مهران، ۱۹۸۱م، ۱۸۰؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۵۳۴/۱؛ محمد الحبش، ۱۴۱۹: ۲۵۷؛ ابن القصار، ۱۴۲۶: ۵۲۰/۱)

اهل سنت

این اختلاف قرائت، سبب پیدایش سه قول در نقض وضوء به سبب مس مرأه شده است:
قول اول: مس زن وضوء را نقض نمی کند. این قول از ابن عباس، مسروق، طاوس، ثوری و احمد بن حنبل نقل شده است و ابوحنیفه، ابویوسف، زفر قائل به این قول شده اند (ابن قدامة، ۱۳۸۸: ۱۲۴/۱؛ کاسانی، ۱۴۰۶: ۱۴۴/۱؛ سرخسی، ۱۴۱۴: ۶۸/۱؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۲۲۳/۵-۲۲۶: ۲۲۶؛ طبری، ۱۴۲۰: ۴۰۶/۸؛ همان، ۸۳/۱۰؛ نووی، بی تا، ۲۶/۲).

در نظر ابوحنیفه مراد از لمس در آیه مبارکه جماع است و برای این مدعا به روایت ابن عباس استدلال کرده: قال: «ان المراد بالمس الجماع الا ان الله حی یکنی بالحسن عن القبیح كما کنی بالمس عن الجماع»؛ «خداوند از باب کنایه به دلیل رعایت جانب حیا از کلمه قابل توجیهی به جای واژه ای غیر حسن استفاده می کند مثلاً به جای جماع، واژه مس را بکار می برد» (عسقلانی، ۱۳۷۹: ۱۵۸/۹؛ سرخسی، ۱۴۱۴: ۶۸/۱؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۲۲۴/۵).

قول دوم: مس مرأه، وضوء را نقض می کند. این قول از عمر، ابن مسعود، ابن عمر، نخعی، زهری، شعبی، عطاء، اوزاعی، ربیع و شافعی نقل شده است (ابن قدامة، ۱۳۸۸: ۱۲۴/۱؛ نووی، بی تا، ۲۶/۲؛ طبری، بی تا، ۱۲۵/۵؛ خطیب شربینی، ۱۴۱۵، ۷۶/۱؛ ابن رشد، ۱۴۲۵ق؛ ۳۵؛ کاسانی، ۱۴۰۶: ۲۴۴/۱).

شافعی به قرائت دوم احتجاج کرد و استدلال کرده به اینکه معنای حقیقی لمس، لمس با دست است و معنای مجازی آن جماع است، زمانی که لفظ مردد بین معنای حقیقی و مجازی باشد، اولی این است که بر معنای حقیقی حمل شود (ابن رشد، ۱۴۲۵: ۳۶).

قول سوم: مس مرأه اگر با شهوت باشد، وضوء نقض می شود و الا نقض نمی شود. این قول از علقمة، ابی عبیده، مالک نقل شده است (ابن قدامة، ۱۳۸۸: ۱۲۴/۱؛ طبری، بی تا، ۱۲۵/۵؛ ابن رشد، ۱۴۲۵: ۳۵؛ سرخسی، ۱۴۱۴: ۶۸/۱؛ قرطبی، بی تا، ۱۹۶/۵).



مالک به معارضه احادیث نبوی با عموم آیه احتجاج کرده است. مثل روایت عائشه از پیامبر ﷺ که این گونه نقل شده: «عن عائشة عن النبي ﷺ قبل بعض نسائه ثم خرج الى الصلاة ولم يتوضأ، قال قلت من هي الا انت، قال فضحكت». ترجمه: «عائشه نقل میکند که پیامبر ﷺ بعضی از همسرانش را بوسید و بدون اینکه وضو بگیرد برای نماز خارج شد، راوی میگوید به عائشه گفتم آن زن چه کسی جز تو بود؟ پس عائشه خندید» (احمد بن حنبل، ۱۴۲۱: ۴۹۷/۴۲).

امامیه

این برداشت از آیه شریفه که مس کردن زن موجب بطلان وضو می شود در زمان ائمه علیهم السلام مطرح بوده و ایشان در این رابطه مورد سوال واقع شده اند که در جواب وجوب وضو را نفی نموده اند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۷۱/۱). از همین روی که در روایات ما حکم این مسأله روشن شده است اختلافی بین فقیهان شیعه در عدم وجوب اعاده وضو به وسیله مس زن، وجود ندارد. از همین روی در حواشی نگاشته شده بر عروه الوثقی هیچ یک از فقیهان ذیل مطلب مرحوم سید یزدی حاشیه ای مبنی بر ناقضیت لمس زن نسبت به وضو نرده اند (ر. ک: یزدی، ۱۴۰۹: ۱۸۳/۱).

۳. مسأله اختلاف در قرائت آیه وطی زوجة

از آیاتی که اختلاف قرانت در آن، موجب اختلاف در فتوا شده، این آیه مبارکه است: «فَاعْتَرِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ»؛ «پس هنگام عادت ماهانه، از [آمیزش با] زنان کناره گیری کنید و به آنان نزدیک نشوید تا پاک شوند. پس چون پاک شدند، از همان جا که خدا به شما فرمان داده است».

سه قرائت از واژه «يَطْهُرْنَ» نقل شده:

قول اول: «يَطْهُرْنَ» بالتخفيف قرائت شده است. این قرائت از نافع، ابی عمرو، ابن کثیر، ابن عامر، عاصم نقل شده است. (رازی، ۱۴۲۰: ۴۱۹/۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۹۰/۱؛ قاضی عبدالفتاح، بی تا، ۴۹: فارسی، ۱۴۱۳: ۳۲۱/۲؛ دانی، ۱۴۰۴: ۸۰؛ ابن مهران، ۱۹۸۱م، ۱۴۶: قادوسی، ۱۴۳۱: ۱۸۰؛ الکيا الهراسی، ۱۴۰۵: ۱۳۹/۱؛ بیهقی، ۱۴۱۴: ۵۳/۱؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۳۸/۱؛ قاضی عبدالوهاب، ۱۴۲۰: ۱۹۷/۱)

قول دوم: «يَطْهُرْنَ» به تشدید طاء، هاء و فتح قرائت شده است. این قرائت از حمزة، کسائی، عاصم در روایت ابی بکر، حجدری، ابن محیصن و اعمش نقل شده است (رازی، ۱۴۲۰: ۴۱۹/۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۱۹۰/۱؛ قاضی عبدالفتاح، بی تا، ۴۹: فارسی، ۱۴۱۳: ۳۲۱/۲؛ دانی، ۱۴۰۴: ۸۰؛ ابن مهران،

۱۹۸۱م، ۱۴۶؛ قادوسی، ۱۴۳۱: ۱۸۰؛ الکیا الهراسی، ۱۴۰۵: ۱۳۷/۱؛ بیهقی، ۱۴۱۴: ۵۳/۱؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۳۸/۱؛ قاضی عبدالوهاب، ۱۴۲۰: ۱۹۷/۱).
قول سوم: «يَتَطَهَّرْنَ» قرائت شده است. این قرائت از ابن مسعود و ابی بن کعب نقل شده است (قاضی عبدالفتاح، بی تا، ۴۹؛ فارسی، ۱۴۱۳: ۳۲۱/۲؛ دانی، ۱۴۰۴: ۸۰؛ ابن مهران، ۱۹۸۱م، ۱۴۶؛ بیهقی، ۱۴۱۴: ۵۳/۱).

اهل سنت

این اختلاف قرائت در سبب اختلاف فتوا در جواز وطی بعد از انقطاع دم در دروان حیض و قبل از غسل شده است. دو قول در مسأله است:
قول اول: عدم جواز وطی حائض تا اینکه غسل انجام دهد. این قول از مالک، شافعی و احمد نقل شده است. (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۲۰۵/۱؛ ابن کثیر، بی تا، ۲۲۶/۲؛ خطیب شربینی، ۱۴۱۵: ۲۲۸/۱؛ ابن رشد، ۱۴۲۵: ۵۲؛ آلوسی، بی تا، ۷۱۱/۲؛ ابن تیمیه، ۱۴۱۶، ۶۲۵/۲).
استدلال کرده اند به قرائت تخفیف و قرائت تشدید طاء، به این نحو که قرائت تشدید طاء، در قول به عدم جواز تصریح دارد، اما قرائت تخفیف، اگر مراد از واژه، اغتسال باشد، در عدم جواز واضح است، و اگر مراد انقطاع حیض است، بعد از آن شرط دیگری «فَإِذَا تَطَهَّرْنَ» ذکر شده، در این صورت هر دو باید همراه هم باشند. (قرطبی، ۱۳۸۴: ۸۸/۳؛ رازی، ۱۴۲۰: ۴۱۹/۶؛ خطیب شربینی، ۱۴۱۵: ۲۳۰/۱)
قول دوم: جواز وطی قبل از اینکه غسل انجام دهد. این قول از حنفیه است. (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۲۰۵/۱).
استدلال کرده اند به این آیه مبارکه که اگر این آیه مبارکه به تشدید قرائت شود، تصریح به اشتراط غسل دارد. (نوی، بی تا، ۳۷۰/۲)

امامیه

مشهور فقیهان شیعه در مسأله جماع بعد از حیض و قبل از غسل فتوا به جواز نزدیکی میدهند. (طوسی، ۱۳۸۷: ۴۴/۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۲/۱؛ محقق حلی، ۱۴۱۸: ۱۰/۱؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱: ۳۳۶/۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۸: ۶۲/۱؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴: ۳۳۳/۱؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۱۰۸/۱؛ خمینی، بی تا، ۵۳/۱) بلکه از مسائلی است که ادعای اجماع بر جواز آن شده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۰۵/۳) نکته این امر که با وجود اختلاف قرائت، فقیهان شیعه فتوی به جواز جماع داده اند این



است که در این مسأله روایات متعددی وجود دارد که دلالت بر جواز نزدیکی میکنند (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۲۵/۲) از همین روی حکم مسأله نزد ایشان روشن است.

۴. مسأله اختلاف در قرائت آیه نماز طواف

از جمله آیاتی که اختلاف قرائت در آن، مؤثر در فتوا است این آیه مبارکه است: ﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾. (بقره: ۱۲۵)؛ «و چون خانه [کعبه] را برای مردم محل اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم، [و فرمودیم:] «در مقام ابراهیم، نمازگاهی برای خود اختیار کنید، و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که: خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجودکنندگان پاکیزه کنید».

اختلاف در واژه «اتَّخِذُوا» بوده که دو قرائت نقل شده است:

اول: «اتَّخِذُوا» به صیغه امر قرائت شده است. این قرائت از ابن مسعود، ابن محیصن، طلحة، اعمش: حدری، ابن وثاب، ابن کثیر، ابوعمر، عاصم، حمزة، کسائی نقل شده است (فارسی، ۱۴۱۳: ۲۲۰/۲؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۶۰۹/۱؛ ابن قاصح، ۱۳۷۳: ۱۵۷/۱؛ رازی، ۱۴۲۰: ۴۳/۴؛ طبری، ۱۴۲۲: ۵۲۴/۲؛ جصاص، ۱۴۱۵: ۹۰/۱؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۳۱۴/۱).

دوم: «اتَّخِذُوا» به فتح خاء قرائت شده است. این قرائت از نافع، ابن عامر، شریح نقل شده است. (فارسی، ۱۴۱۳: ۲۲۰/۲؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۰: ۶۰۹/۱؛ ابن قاصح، ۱۳۷۳: ۱۵۷/۱؛ رازی، ۱۴۲۰: ۴۳/۴؛ طبری، ۱۴۲۲: ۵۲۴/۲؛ جصاص، ۱۴۱۵: ۹۰/۱؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۳۱۴/۱)

اهل سنت

اختلاف قرائت در این آیه مبارکه، سبب اختلاف در مسأله وجوب دو رکعت نماز طواف شده است. توضیح آنکه به طور مسلم یکی از اعمال حج و عمره، انجام طواف است اما اینکه آیا بعد از نماز انجام دو رکعت نماز لازم باشد محل اختلاف است و در این بحث دو قول وجود دارد:

قول اول: دو رکعت نماز طواف واجب است. این قول حنفیه است (کاسانی، ۱۴۰۵: ۱۴۸/۲؛ نووی، بی تا، ۵۰/۸؛ ابن خالویه، ۱۴۰۱: ۸۷؛ جصاص، ۱۴۱۵: ۹۰/۱).

استدلال کرده اند به اینکه طبق قرائت اول، واژه «اتخذوا» فعل امر است و امر بر وجوب دلالت می کند.

قول دوم: دو رکعت نماز طواف مستحب است. این قول حنابله و مالکیه و شافعی است (کاسانی، ۱۴۰۵: ۱۴۸/۲؛ ابن قدامة، ۱۳۸۸: ۳۴۷/۳؛ ابن خالویه، ۱۴۰۱: ۸۷؛ جصاص، ۱۴۱۵: ۹۰/۱).

قائلین به این قول به قرائت دوم استدلال کرده‌اند و معتقدند در مقام خبر است و خداوند از آنها خبر می‌دهد و دلالت بر وجوب ندارد.

امامیه

اصل وجوب نماز طواف امری مسلم و واضح است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۴۳/۱؛ خوئی، ۱۴۱۰: ۳۵/۵)؛ اگرچه بعضی از جزئیات آن محل بحث است. اما آنچه نسبت به آیه شریفه و اختلاف قرائات در آن شایسته بیان است این است که این آیه طبق یک قرائت می‌تواند دلیل بر وجوب انجام نماز طواف در مقام ابراهیم علیه السلام باشد ولی از آنجا که در مورد وجوب ادای نماز طواف در مقام ابراهیم روایات متعدد وجود دارد به نحوی که ادعای تواتر در آن شده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۱۵/۱۹)؛ شکی در وجوب ادای این نماز در مقام ابراهیم وجود ندارد و این اختلاف قرائت تأثیری در بحث فقهی نمی‌گذارد.

۵. مسأله اختلاف در قرائت آیه عمره

آیه مبارکه «وَاتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ» (بقره: ۱۹۶)؛ «برای خدا حج و عمره را به پایان رسانید» نیز با قرائات مختلفی وارد شده است. آیه مذکور یکی دیگر از آیاتی است که اختلاف قرائت موجب اختلاف فتوا در فقه شده است. و در «العمره» دو قرائت نقل شده است:

قول اول: برخی از قراء «العُمْرَةُ» را به نصب قرائت نموده‌اند (اشمونی، ۱۴۲۲: ۱۲۶؛ ابن‌عاشور، ۱۹۸۴: ۲۲۰/۲؛ ابن‌قدامة، ۱۳۸۸: ۲۱۸/۳؛ ابن‌عربی، ۱۴۲۴: ۱۷۰/۱؛ ابن‌رشد، ۱۴۰۸: ۴۰۰/۱).

قول دوم: برخی از قراء به ضم «العُمْرَةُ» را قرائت نموده‌اند. (اشمونی، ۱۴۲۲: ۱۲۶؛ ابن‌عاشور، ۱۹۸۴: ۲۲۰/۲؛ ابن‌قدامة، ۱۳۸۸: ۲۱۸/۳؛ ابن‌عربی، ۱۴۲۴: ۱۷۰/۱؛ ابن‌رشد، ۱۴۰۸: ۴۰۰/۱).

اهل سنت

برخی از علماء اهل سنت قائل شده‌اند که عمره مستحب است و در جواب از استدلال بر وجوب عمره به این آیه مبارکه، گفته‌اند که طبق قرائت این آیه شریفه به ضم، بناء بر مبتدا و خبر قرائت شده است. و بر این اساس جمله مستقل بوده و دلالت بر وجوب عمره ندارد (ابن‌رشد، ۱۴۰۸: ۴۰۰/۱؛ سرخسی، ۱۴۱۴: ۵۸/۴؛ رعینی، ۱۴۱۲: ۴۶۷/۲؛ رازی، بی‌تا، ۲۹۷/۵؛ ابن‌کثیر، بی‌تا، ۳۹۴/۱؛ طرهونی، ۱۴۲۶: ۵۲۶/۲؛ ابن‌عاشور، ۱۹۸۴: ۲۲۰/۲) علاء الدین کاسانی می‌نویسد: «این آیه مبارکه دلالت بر فریضه بودن عمره نمی‌کند، زیرا واژه «العُمْرَةُ» در این آیه مبارکه به رفع قرائت شده است. بر این اساس کلام تام و غیر معطوف بر امر به حج است و خداوند برای رد زعم کفار، تعلق به خداوند را خبر داده است.» (کاسانی، ۱۴۰۶: ۲۲۶/۲)



برخی دیگر قائل شلند به اینکه عمره واجب است. با این بیان که خداوند امر به حج نموده، و مقتضای امر، وجوب است، و «الْعُمْرَةُ» عطف بر «الْحَجَّ» شده، و اصل تساوی معطوف و معطوف علیه را اقتضا می نماید. (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۲۱۸/۳؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۲۲۰/۲)

امامیه

اصل وجوب عمره بر مکلفین مانند وجوب حج، امری واضح است (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۷۴/۱؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱: ۴۵۷/۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۹۴/۲؛ خوئی، ۱۴۱۰: ۱۹۸/۳) بلکه ادعای وجود اجماع در مورد آن شده است (علامه حلی، ۱۴۱۲: ۱۹۴/۱۳؛ همان، ۱۴۱۴: ۱۱/۷؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۴۱/۲۰) و روایات متعددی بر وجوب آن دلالت میکند (ر.ک: وسائل الشیعة: ۱/۴: ۲۹۵) از همین روی اختلاف قرائت در این آیه شریفه اثری در مسأله فقهی ندارد.

۶. مسأله اختلاف در قرائت آیه نکاح با عمه و خاله

از جمله آیات دارای اختلاف قرائت این آیه مبارکه ۲۴ نساء است: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاصَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا» (و زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده‌اید؛ [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر گردیده است. و غیر از این [زنان نامبرده]، برای شما حلال است که [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود طلب کنید - در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید - و زنانی را که متعه کرده‌اید، مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید، و بر شما گناهی نیست که پس از [تعیین مبلغ] مقرر، با یکدیگر توافق کنید [که مدت عقد یا مهر را کم یا زیاد کنید]؛ مسلماً خداوند دانای حکیم است».

واژه «أُحِلَّ» در این آیه مبارکه به دو نحو قرائت شده است:

اول: «أُحِلَّ» صیغه مجهول (ضم همزه و کسر حاء) قرائت شده است. این قرائت از حمزة، کسائی، خلف، عاصم در روایت حفص نقل شده است (قاضی عبدالفتاح، بی تا، ۷۸؛ فارسی، ۱۴۱۳: ۱۴۱۳؛ غزنفری، ۱۴۰۲: ۱۶؛ ۱۵۰/۳؛ دانی، ۱۴۰۴: ۹۶؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۵۱۸/۱).

دوم: «أَحْلَ» به فتح همزه قرائت شده است. این قرائت از ابن کثیر، نافع، ابو عمرو، عاصم و ابن عامر نقل شده است. (قاضی عبدالفتاح، بی تا، ۷۸؛ فارسی، ۱۴۱۳: ۱۵۰/۳؛ دانی، ۱۴۰۴: ۹۶؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۵۱۸/۱).

اهل سنت

این اختلاف قرائت سبب اختلاف در مسأله جمع بین مرأه و عمه یا خاله آن شده است. بر این اساس دو قول وجود دارد:

قول اول: نکاح با عمه و خاله مرأه جایز است. این قول خوارج و عثمان بتی است. قائلین به این قول استدلال کرده‌اند به قرائت دوم (فتح همزه) و اینکه خداوند محرمات را ذکر کرد و خداوند در میان محرمات: مع بین اختین را حرام ذکر کرد، غیر آن حرام نیست. بر این اساس جمع بین عمه یا خاله با مرأه حرام نیست. قول دوم: نکاح با عمه و خاله مرأه حرام است. این قول جمهور اهل سنت از حنفیه، مالکیه، حنابله و شافعیه است.

ترمذی ادعای عدم خلاف و ابن‌عبدالبر، ابن‌حزم و ابن‌منذر ادعای اجماع کرده‌اند. (ابن‌قدامة، ۱۳۸۸: ۱۱۵/۷؛ نووی، ۱۳۹۲: ۱۳۹/۹؛ ابن‌حزم، بی‌تا، ۵۲۱/۹؛ عسقلانی، ۱۳۷۹: ۹۹/۹؛ شوکانی، ۱۴۱۳: ۲۴۸/۶).

قائلین به این استدلال کرده‌اند به قرائت اول (ضم همزه) و بیان کرده‌اند این واژه بر جمله «حرمت علیکم» در آیه سابق عطف شده است.

امامیه

در فقه شیعه بر خلاف معظم فقهای عامه، ازدواج همزمان با یک زن و عمه یا خاله او در فقه شیعه در فرض رضایت عمه و خاله جایز شمرده شده است (البته معمولاً این شرط را در فرضی قرار میدهند که ابتدا با زنی ازدواج نموده است و سپس میخواهد با دختر خواهر یا برادر او ازدواج نماید) (ابن‌ادریس، ۱۴۱۰: ۵۲۱/۲؛ محقق ثانی، ۱۴۱۴: ۲۵۵/۱۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۴۶۷/۲۳؛ خوئی، ۱۴۱۸: ۲۹۰/۳۲) بلکه در این مسأله ادعای اجماع شده است (شریف مرتضی، ۱۴۱۵: ۲۷۸؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۹۶/۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۶۳۸) تنها قول مخالفی که در این مسأله بیان شده، عبارت مرحوم صدوق در مقنع است (صدوق، ۱۴۱۵: ۳۲۸) که بعضی از آن حرمت مطلق (حتی در فرض رضایت عمه و خاله) را استفاده نموده‌اند. البته اولاً چنین برداشتی محل اشکال واقع شده است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲۹۱/۷) و ثانیاً منشا این قول روایات موجود در مسأله است. بر این اساس اختلاف قرائت تأثیری در این بحث ندارد (نکته: به مرحوم ابن‌جنید و ابن‌ابی‌عقیل نسبت داده شده که حتی در فرض عدم رضایت عمه و خاله ازدواج را صحیح می‌دانند) نتیجه آنکه به علت وجود روایات متعدد در این بحث (ر.ک: حرعاملی، ۱۴۰۹: ۴۸۷/۲۰) اختلاف قرائت تأثیری در مسأله ندارد.



۷. مسأله اختلاف در قرائت جزاء صید در احرام

یکی دیگر از آیاتی که اختلاف قرائت موجب اختلاف فتوا خواهد شد این آیه مبارکه است که خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ» (مائده: ۹۵) «و هر کس آن را عمداً کشت مثل آن صید را از جنس چهارپایان، که به مثلیت آن دو مؤمن عادل حکم کنند، به عنوان هدی به کعبه رساند».

اختلاف در کلمه «مِثْلُ» است و اقوال درباره آن عبارت‌اند از:

قول اول: قراء کوفی «مِثْلُ» را به رفع قرائت نموده‌اند، که طبق این قرائت معنای آیه این است که بر عهده مکلف مثل چیزی است که کشته خواهد آمد، بنابر این کلمه «مِثْلُ» صفت برای «جَزَاءٌ» خواهد بود (رازی، ۱۴۲۰: ۴۳۰/۱۲؛ طبری، ۱۴۲۲: ۶۸۰/۸؛ سمرقندی، بی‌تا، ۱/۴۱۸؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۱۷۳/۳؛ صدیق حسن خان، ۲۰۰۳: ۲۷۷؛ محمد سالم محیسین، ۱۴۰۴: ۲۲۴/۲).

قول دوم: باقی قراء به جر قرائت کرده‌اند بنابر اینکه «جَزَاءٌ» به «مِثْلُ» اضافه شده است. طبق این قرائت معنای آیه این خواهد شد که جزاء مثل مقتول، بر عهده او واجب است. (رازی، ۱۴۲۰: ۴۳۰/۱۲؛ طبری، ۱۴۲۲: ۶۸۰/۸؛ سمرقندی، بی‌تا، ۱/۴۱۸؛ ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۱۷۳/۳؛ صدیق حسن خان، ۲۰۰۳: ۲۷۷؛ محمد سالم محیسین، ۱۴۰۴: ۲۲۴/۲)

اهل سنت

اختلاف قرائت در این آیه مبارکه، موجب اختلاف فتوا در مسأله کفاره صید در حرم شده است. بنابر این فقیهان حنفی قائل به این هستند که هر مکلفی که صید را بکشد، باید قیمت آن را بدهد. زیرا کلمه «جَزَاءٌ» به «مِثْلُ» اضافه شده است. (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۱۷۳/۳؛ طبری، ۱۴۲۲: ۶۸۰/۸؛ حبش، ۱۴۱۹: ۲۷۳؛ ابن‌هشام، ۱۴۰۳: ۱۵)

شافعیه قائل هستند به اینکه اگر برای مقتول مثل باشد، مثل مقتول واجب است. و اگر برای آن مثل نیست، رجوع به قیمت می‌شود. زیرا کلمه «مِثْلُ» به رفع قرائت شده است. مالکیه مسأله مذکور قائل به تأخیر بین مثل و قیمت شده‌اند. (ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۱۷۳/۳؛ طبری، ۱۴۲۲: ۶۸۰/۸؛ حبش، ۱۴۱۹: ۲۷۳؛ ابن‌هشام، ۱۴۰۳: ۱۵)

امامیه

مشهور فقیهان شیعه قائل هستند که مراد از مماثلتی که در این آیه شریفه آمده است، مماثلت در قیمت نیست و قول ابو حنیفه باطل است بلکه مماثلت در خلقت اراده شده است (اردبیلی، بی‌تا، ۲۹۱)

بلکه بر این مطلب ادعای اجماع شده است (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۱۹/۲۶) البته در حدود این مماثلت اختلاف است (ر.ک: موسوی عاملی، ۱۴۱۱: ۳۵۲/۸؛ سبزواری، ۱۲۴۷: ۶۰۹/۲؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۳۷۱/۶؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۲۵۱/۲۰) در نهایت باید گفت اختلاف قرائت در این آیه شریفه اثری در فقه شیعه ندارد، بلی نسبت به ادامه آیه شریفه و عبارت «ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ» روایتی وارد شده که قرائت صحیح را «ذُو عَدْلٍ» می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۰۵/۸؛ عیاشی، بی‌تا، ۳۴۴/۱) که طبق این قرائت معنای آیه شریفه تغییر میابد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۱۹/۲۶) و پذیرش این قرائت و معنی در بین فقیهان محل نزاع واقع شده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۹۹/۲۰؛ خوئی، ۱۴۱۸: ۳۲۳/۲۸).

۸. مسأله اختلاف در قرائت آیه جهاد ابتدایی یا دفاعی

یکی از آیات که اختلاف قرائت موجب اختلاف فتوا شده است، این آیه مبارکه است که خداوند متعال می‌فرماید: «أَذِّنْ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأَنَّهُمْ ظُلُمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ تَصَرُّهِمْ لَقَدِيرٌ» (حج: ۳۹) «به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست».

واژه «يُقَاتِلُونَ» به دو وجه قرائت شده است:

قول اول: نافع، ابن‌عامر و حفص به صیغه مجهول «يُقَاتِلُونَ» قرائت نموده‌اند. (طبری، ۱۴۲۰: ۴۶۲/۱۸؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۶۸/۱۲؛ فارسی، ۱۴۱۳: ۲۸۱/۵؛ آذهری، ۱۴۱۲: ۲۶۴/۱؛ ابن‌مجاهد، ۱۴۰۰: ۴۳۷؛ ابن‌جوزی، ۱۴۲۲: ۲۴۰/۳؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۳۵۸/۱)
قول دوم: باقی قراء به صیغه معلوم «يُقَاتِلُونَ» قرئت نموده‌اند. (طبری، ۱۴۲۰: ۴۶۲/۱۸؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۶۸/۱۲؛ فارسی، ۱۴۱۳: ۲۸۱/۵؛ آذهری، ۱۴۱۲: ۲۶۴/۱؛ ابن‌مجاهد، ۱۴۰۰: ۴۳۷؛ ابن‌جوزی، ۱۴۲۲: ۲۴۰/۳؛ محمد سالم محیسن، ۱۴۰۴: ۳۵۸/۱)

اهل سنت

این اختلاف قرائت موجب نزاع بین فقهاء و موجب دو قول در مسأله جنگ با کفار شد. فقیهان حنفی و مالکی قائل شدند به اینکه علت جنگ با کفار، رد و دفع دشمن است، بر اساس این قول جهاد ابتدایی و جنگ با کفاری که دشمنی نمی‌ورزدند صحیح نیست (سیب، ۱۴۲۸: ۱۰۳؛ ابن‌عابدین، ۱۴۱۲: ۱۲۳/۴).



فقیهان شافعی و غالب حنابلہ قائل شدند به اینکه علت جنگ با کفار، کفر آنان است اگر چه اظهار دشمنی ننمایند. براساس این قول جنگ با کفر صحیح است اگر چه دشمنی نسبت به اسلام و مسلمین ندارند (سیب، ۱۴۲۸: ۱۰۳؛ کویتیه، ۱۴۰۴: ۱۲۶/۱۶).

امامیه

علامه طباطبائی می نویسند: «سیاق این آیات سیاق آیه: ﴿أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ*الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ﴾ است که اذن در آن اذنی است ابتدائی، در قتال با مشرکینی که مقاتله می کنند نه اینکه معنایش شرط باشد» (طباطبائی، بی تا، ۸۸/۲). اصل وجوب جهاد ابتدایی در میان فقیهان شیعه در فرض وجود تمام شرایط آن بحث و اشکالی نیست بلکه تنها نسبت به وجوب جهاد ابتدایی در زمان غیبت در میان فقیهان شیعه اختلاف است. منشا نزاع و اختلاف این است که یکی از شرایط وجوب بلکه جواز این نوع از جهاد اذن امام علیه السلام دانسته شده است و از همین روی در زمان غیبت و عدم امکان اخذ اذن از امام علیه السلام فقط در صورتی می توان به جهاد اقدام نمود که اذن امام علیه السلام از شرطیت ساقط شده باشد و یا اینکه فقیه در این زمینه اختیار داشته باشد (خوئی، ۱۴۱۰: ۳۶۵/۱؛ تبریزی، ۱۴۲۶: ۳۷۵/۱؛ مومن قمی، ۱۴۱۵: ۳۱۷/۱) نتیجه آنکه اختلاف قرائت در این آیه شریفه دلیلی بر عدم جواز جهاد ابتدایی نزد شیعه نیست.

۹. مسأله اختلاف در قرائت آیه صید بواسطه حیوانات معلومه

یکی از دیگر آیات دارای اختلاف قرائت، آیه مبارکه ۴ سوره مائده است؛ ﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكَنَّ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾؛ «از تو می پرسند: چه چیزی برای آنان حلال شده است؟ بگو: «چیزهای پاکیزه برای شما حلال گردیده و [نیز صید] حیوانات شکارگر که شما بعنوان مربیان سگهای شکاری، از آنچه خدایتان آموخته، به آنها تعلیم داده اید [برای شما حلال شده است]. پس از آنچه آنها برای شما گرفته و نگاه داشته اند بخورید، و نام خدا را بر آن ببرید، و پروای خدا بدارید که خدا زودشمار است».

در واژه «مُكَلِّبِينَ» دو قرائت نقل شده است:

قول اول: به تشدید لام «مُكَلِّبِينَ» قرائت شده و این قرائت مشهور است (قرطبی، ۱۳۸۴: ۶۸/۶).

قول دوم: تخفیف لام «مُكَلِّبِينَ» قرائت شده است. این قرائت از ابن مسعود، ابن عباس، ابی زربین عون نقل شده است (قرطبی، ۱۳۸۴: ۶۸/۶).

اهل سنت

اختلاف قرائت سبب اختلاف در حکم صید با حیوان معلمه شده است. سه قول وجود دارد:
قول اول: صید فقط با حیوانات معلمه جایز است. بر این اساس اگر با غیر سگ صید شود و قبل از ذبح بمیرد، خوردن صید حرام است. واحدی می نویسد: «این قول جمیع مفسرین است، اما ابن عمر و ضحاک استثناء زده اند» (نوی، بی تا، ۹۶/۹).

قول دوم: صید با هر حیوان درنده نیش دار و پرند چنگار دار که تعلیم داده شده: ایز است. این قول از مالک، ابوحنیفه، شافعی، احمد، ظاهریه نقل شده است. (ابن قدامه، ۱۳۸۸: ۳۷۱/۹؛ نوی، بی تا، ۹۶/۹؛ ابن حزم، بی تا، ۱۶۹/۶؛ قرطبی، ۱۳۸۴: ۶۷/۶)

امامیه

در فقه شیعه نیز مسأله صید با حیوانات از دیرباز معنون بوده است و کتب فقهی به بیان شرایط و ضوابط آن پرداخته اند. یکی از شرایط بیان شده در این بحث این است که حیوانی که با آن شکار صورت میگیرد باید سگ باشد و شکار با سایر حیوانات موجب تذکیه نمیگردد. در این حکم ادعای اجماع شده است (الانتصار فی انفرادات الإمامیه، ۳۹۴؛ غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، ۳۹۴؛ السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۸۲/۳؛ الخلاف، ۵/۶) به هر حال مدرک در این مسأله روایات متعدد هستند (وسائل الشیعة، ۳۳۱/۲۳، بَابُ إِبَاحَةِ مَا يَصِيدُ الْكَلْبُ الْمُعَلَّمُ إِذَا قَتَلَهُ؛ وسائل الشیعة، ۳۳۹/۲۳، بَابُ لَنَّهُ لَا يَجُوزُ أَكْلُ مَا يَصِيدُهُ حَيَّوَانٌ آخَرُ غَيْرِ الْكَلْبِ الْمُعَلَّمِ إِذَا قَتَلَهُ إِلَّا أَنْ يُدْرِكَ ذَكَاتُهُ وَ يُذَكِّيَهُ) و اختلاف قرائت تأثیری در این مسأله ندارد.



نتیجه گیری

نگرش مشهور فقیهان شیعه به اختلاف قرائت امری کاملاً متفاوت با نگرش علمای عامه است. مشهور فقیهان شیعه قائل هستند که قرآن به یک نحو نازل شده است و وحی نازل توسط جبرئیل قرائتی واحد داشته است به خلاف مشهور فقیهان عامه که قائل هستند که قرائات مشهوره همگی متواتر بوده و هر یک می تواند حجت باشد. این اختلاف اصولی در مسائل فقهی نیز اثر خود را نشان داده است. فقیهان شیعه در مواجهه با اختلاف قرائتی که موجب اختلاف معنی می شود قائل به تعارض هستند به خلاف فقیهان عامه که هر یک از معانی مستفاد از قرائت های مختلف را حجت می دانند. در فقه عامه این اختلاف قرائت در مسائلی مانند مسح رجلین در وضو، نقض وضو به واسطه لمس زن، وطی زوجه در زمان انقطاع دم و قبل از غسل حیض، مکان نماز طواف، وجوب عمره: مع بین زن و عمه یا خاله او در نکاح: زاء صید در حال احرام، وجوب جهاد ابتدایی/ید به وسیله حیوان معلّم، موجب اختلاف نظر شده است، ولی در فقه امامیه به برکت وجود روایات متعدد از اهل بیت (علیهم السلام) در تمام مسائل بیان شده، هیچ تأثیری برای اختلاف قرائات در مسائل فقهی وجود ندارد.



فهرست منابع

۱. ابن ادریس، محمد بن منصور، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲. ابن تیمیة، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، تحقیق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، عربستان: مجمع الملك، ۱۴۱۶ق.
۳. ابن جنی، عثمان، المحتسب فی تبیین وجوه شواذ القراءات والإیضاح عنها، بی جا، نشر وزارة الاوقاف، ۱۴۲۰ق.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
۵. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
۶. ابن حزم، محمد علی بن احمد، المحلی، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۷. ابن حیان، محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۸. ابن حیان، محمد بن یوسف، البحر المحيط فی التفسیر، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
۹. ابن رشد قرطبی، محمد بن احمد، المقدمات الممهدات، تحقیق: محمد حجی، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۸ق.
۱۰. ابن رشد، محمد بن احمد، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، مصر: نشر دارالحديث، ۱۴۲۵ق.
۱۱. ابن زهره، حمزة بن علی، غنية النزوع إلى علمي الأصول والفروع، قم: موسسه امام صادق (ع)، ۱۴۱۷ق.
۱۲. ابن طرهوني، محمد بن رزق، التفسر والمفسرون فی غرب افريقا، عربستان: دار ابن الجوزی، ۱۴۲۶ق.
۱۳. ابن علبدين، محمد امين بن عمر، رد المختار على الدر المختار و حاشية ابن علبدين، بیروت: دار الفكر، ۱۴۱۲ق.
۱۴. ابن عاشور، محمد الطاهر بن محمد، التحرير والتنوير، تونس: دارالتونسية للنشر، ۱۹۸۴م.
۱۵. ابن قاصح، علی بن عثمان، سراج القاری المبتدی و تذکار، مصر: مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۷۳ق



۱۶. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المغنی، مصر: نشر مكتبة القاهرة، ۱۳۸۸ق.
۱۷. ابن القصار، علی بن عمر، عیون الادلة فی مسائل الخلاف بین الفقهاء، ریاض: مكتبة الملك فهد، ۱۴۲۶ق
۱۸. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسر القرآن العظیم، تحقیق: سامی بن محمد، بی جا، دار طيبة للنشر، ۱۴۲۰ق.
۱۹. ابن مجاهد، احمد بن موسی، السبعة فی القراءات، مصر: نشر دارالمعارف، ۱۴۰۰ق.
۲۰. ابن هشام، عبدالله بن یوسف، اسئلة واجوبة فی اعراب القرآن، تحقیق: محمد نخس، مدینه - عربستان: نشر عمادة البحث العلمی بالجامعة الاسلامیة، ۱۴۰۳ق.
۲۱. اردبیلی، احمد بن محمد، زبدة البیان فی أحكام القرآن، تهران: المكتبة الجعفریة، بی تا.
۲۲. أزهري، محمد بن احمد، معانی القراءات، عربستان: نشر مركز البحوث - جامعه الملك سعود، ۱۴۱۲ق.
۲۳. اشمونى، احمد بن عبدالکريم، منار الهدی فی بیان الوقف و الابتداء، تحقیق: شریف ابوالعلا العدوی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
۲۴. انصارى، مرتضى، فرائد الاصول، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۱۶ق.
۲۵. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۰۵ق.
۲۶. بزار، احمد بن عمرو، مسند البزار المنشور، تحقیق: محفوظ الرحمن زین الله، مدینه - عربستان: مكتبة العلوم والحکم، ۲۰۰۹م.
۲۷. بیهقی، ابوبکر، احکام القرآن للشافعی، تحقیق: عبدالغنی عبدالخالق، قاهره: مكتبة الخانجی، ۱۴۱۴ق.
۲۸. تبریزی، میرزا جواد، منهاج الصالحین، قم: مجمع الامام المهدي (عج)، ۱۴۲۶ق.
۲۹. جصاص، احمد بن علی، احکام القرآن، تحقیق: عبدالسلام محمد، بیروت: نشر دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۳۰. حبش، محمد، القراءات المتواترة واثرها، دمشق: دارالفکر، ۱۴۱۹ق.
۳۱. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۳۲. خطیب شریینی، محمد بن احمد، مغنی المحتاج الى معرفة معانی الفاظ، بیروت: نشر دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.

٣٣. خمینی، سید روح الله، تحرير الوسيلة، قم: موسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا.
٣٤. خوئی، ابوالقاسم، موسوعة الامام الخوئی، قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی، ١٤١٨ق.
٣٥. خوئی، ابو القاسم، البيان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الزهراء، بی تا.
٣٦. خوئی، ابوالقاسم، المعتمد فی شرح المناسک، قم: مدرسه دارالعلم، ١٤١٠ق.
٣٧. خوئی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم: مدينة العلم، ١٤١٠ق.
٣٨. دانی، عثمان بن سعید، التیسیر فی القراءات السبع، بیروت: دارالکتاب العربی، ١٤٠٤ق.
٣٩. رعینی، محمد بن محمد بن عبدالرحمن، مواهب الجلیل فی شرح مختصر خلیل، بیروت: دارالفکر، ١٤١٢ق.
٤٠. زحیلی، وهبة بن مصطفى، الفقه الاسلامی وادلتہ، دمشق: دارالفکر، بی تا.
٤١. زرقانی، محمد عبد العظیم الزرقانی (المتوفی: ١٣٦٧هـ)، مناهل العرفان فی علوم القرآن، مطبعة عیسی البابي الحلبي وشركاه، الطبعة الثالثة، بی تا.
٤٢. زركشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، البابي، داراحیاء العربیة عیسی ١٣٧٦ق.
٤٣. زرنگار، مصطفى. (١٤٠٢). بررسی غنا در تلاوت از منظر قرآن و فقه. مطالعات قرائت قرآن، ١١(٢٠)، ١٣١-١٥٦. doi: 10.22034/qer.2023.8455
٤٤. زمخشری، محمود بن عمرو، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتاب العربی، ١٤٠٧ق.
٤٥. سائیس، محمدعلی، تفسیر آیات الاحکام، تحقیق: ناجی سويدان، مصر: المكتبة العصرية، ٢٠٠٢م.
٤٦. السائیس، محمدعلی، تفسیر آیات الاحکام، تحقیق: ناجی سويدان، ٢٠٠٢م.
٤٧. سبزواری، محمد باقر، ذخيرة المعاد فی شرح الإرشاد، قم: مؤسسة آل البيت، ١٢٤٧ق.
٤٨. سرخسی، محمد بن احمد، المبسوط، بیروت: دارالمعرفة، ١٤١٤ق.
٤٩. سمرقندی، نصر بن محمد، بحر العلوم، بی نا، بی جا، بی تا.
٥٠. سیب، خیرالدین، اثر القراءات القرآنیة فی اختلاف الاحکام الفقهیة، الجزائر: دارالخلدونیة، ١٤٢٨ق.
٥١. شریف مرتضی، علی بن حسن، الانتصار فی انفرادات الإمامیة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ١٤١٥ق.



۵۲. شوکانی، محمد بن علی، نیل الاوطار، تحقیق: عصام الدین الصبابطی، مصر: دارالحديث، ۱۴۱۳ق.
۵۳. شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ق.
۵۴. شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، تحقیق: عادل مرشد، بی جا، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق.
۵۵. صدوق، محمد بن علی، المقنع، قم: موسسه امام هادی (علیه السلام)، ۱۴۱۵ق.
۵۶. صدیق حسن خان، محمد، نیل المرام من تفسیر آیات الاحکام، تحقیق: محمد حسن اسماعیل، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۳م.
۵۷. طباطبائی یزدی، محمد کاظم، العروة الوثقی (للسید)، بیروت: مؤسسة الاعلمی، ۱۴۰۹ق.
۵۸. طبری، محمد بن جریر: امع البیان فی تاویل القرآن، تحقیق: احمد محمد شاکر، بی جا، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۰ق.
۵۹. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۶۰. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، تهران: المكتبة المرتضویة، ۱۳۸۷ق.
۶۱. عسقلانی، احمد بن علی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۷۹ق.
۶۲. علامه حلی، حسن بن یوسف، تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة، قم: موسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۴۲۰ق.
۶۳. علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۳۸۸ق.
۶۴. علامه حلی، حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
۶۵. غضنفری، علی، اردستانی، فاطمه، & قربان خانی، زهرا. (۱۴۰۲). بررسی اختلافات تفسیری فریقین درباره آیات تشریعی حوزه نکاح. مطالعات تفسیر تطبیقی، ۸(۲)، -. doi: 10.22034/csq.2023.190666
۶۶. فارسی، حسن بن احمد، الحجة للقراء السبعة، تحقیق: بدرالدین قهوجی، دمشق/بیروت: دارالمأمون، ۱۴۱۳ق.
۶۷. فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة - أحكام التخلي، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.

٦٨. فاضل لنكراني، محمد، كتاب الطهارة (تقريرات، للإمام الخميني)، تهران: موسسه تنظيم و نشر آثار امام، ١٤٢٢ق.
٦٩. فاضل هندی، محمد بن حسن، كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحكام، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٦ق.
٧٠. فخررازي، محمد بن عمر، مفاتيح الغيب، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٢٠ق.
٧١. فراء، يحيى بن زياد، معاني القرآن، تحقيق: احمد يوسف، مصر: دارالمصرية للتأليف، بی تا.
٧٢. قادوسی، عبدالرازق بن حمودة، اثر القراءات القرآنية فى الصناعة المعجمية تاج العروس: امعة حلوان، ١٤٣١ق.
٧٣. قاضى، عبدالفتاح بن عبدالغنى، البدور الزاهرة فى القراءات العشر المتواترة، بيروت: دارالكتاب، بی تا.
٧٤. قاضى عبدالوهاب، الاشراف على نكت مسائل الخلاف، حبيب بن طاهر، بی جا، دار ابن جزم، ١٤٢٠ق.
٧٥. كاسانى، ابوبكر بن مسعود، بدائع الصنائع، دار الكتب العلمية، بی جا، ١٤٠٦ق.
٧٦. الكيا الهراسي، على بن محمد، احكام القران، تحقيق: موسى محمد، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٠٥ق.
٧٧. مجلسي، محمد بن باقر، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، تهران: دار الكتب الاسلامية، ١٤٠٤ق.
٧٨. مجموعة من المؤلفين، الموسوعة الفقهية الكويتية، كويت: درالسلاسل، ١٤٠٤ق-١٤٢٧ق.
٧٩. محقق ثانى عاملى، على بن حسين: امع المقاصد في شرح القواعد قم: موسسه آل البيت (ع)، ١٤١٤ق.
٨٠. محقق حلى: عفر بن حسن، المختصر النافع في فقه الإمامية، قم: موسسه المطبوعات الدينية، ١٤١٨ق.
٨١. محقق حلى: عفر بن حسن، شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام، قم: موسسه اسماعيليون، ١٤٠٨ق.
٨٢. محمد الحبش، القراءات المتواترة و اثرها فى الرسم القرآنى و الاحكام الشرعية، دمشق، دارالفكر، ١٤١٩ق.



۸۳. محمد سالم محیسن، محمد، القرائات و اثرها فی علوم العربیة، قاهرة، مكتبة الكليات الازهریة، ۱۴۰۴ق.
۸۴. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۸۱ش.
۸۵. مكارم شیرازی، ناصر، انوار الفقاهه، قم: مدرسة الامام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، ۱۴۲۵ق.
۸۶. موسوی عاملی، محمد بن علی، مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، بیروت: موسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۱۱ق.
۸۷. مومن قمی، محمد، كلمات سديدة في مسائل جديدة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۸۸. نجفی، محمدحسن: واهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، بیروت: داراحیاء التراث، ۱۴۰۴ق.
۸۹. نجفی، روح الله. (۱۴۰۱). نقل به معنا؛ کلید فهم اختلاف مصاحف صحابه. مطالعات قرائت قرآن، ۱۰(۱۹)، ۳۳-۹. doi: 10.22034/qr.2023.7582
۹۰. نووی، یحیی بن شرف، المنهاج شرح صحیح مسلم، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۳۹۲ق.
۹۱. نووی، یحیی بن شرف، المجموع شرح المذهب، بی جا، نشر دارالفکر، بی تا.
۹۲. نیسابوری، احمد بن الحسین، المبسوط فی القراءات العشر، تحقیق: سبيع حمزة، دمشق، مجمع اللغة العربیة، ۱۹۸۱م.
۹۳. الواسطی، ابو محمد، الكنز فی القرائات العشر، تحقیق: خالد المشهدانی، قاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، ۱۴۲۵ق

References

1. Al-Kiya al-Harasi, Ali Bin Mohammad, *Ahkam al-Quran (The Rules of the Quran)*, Researched by Musa Mohammad, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1405 AH (1985 CE).
2. Allameh Hilli, Hassan Bin Yusuf, *Muntaha al-Matlab fi Tahqiq al-Madhab (The Ultimate Goal in Understanding the Madhab)*, Mashhad: Islamic Research Assembly, 1412 AH (1991 CE).
3. Allameh Hilli, Hassan Bin Yusuf, *Tadhkirat al-Fuqaha (Reminder of the Jurists)*, Qom: Al al-Bayt Institute, 1388 AH (1968 CE).
4. Allameh Hilli, Hassan Bin Yusuf, *Tahrir al-Ahkam al-Shar'iyyah 'ala Madhab al-Imamiyah (Editing the Legal Rulings on the Madhab of Imamiyah)*, Qom: Imam Sadiq Institute, 1420 AH (1999 CE).
5. Al-Wasiti, Abu Mohammad, *Al-Kanz fi al-Qira'at al-Ashr (The Treasure in the Ten Readings)*, Researched by Khalid al-Mashhadani, Cairo: Maktabat al-Thaqafah al-Diniyah, 1425 AH (2004 CE).
6. Ansari, Morteza, *Fara'id al-Usul (The Superior Principles)*, Qom: Daftar Intisharat-e Islami, 1416 AH (1995 CE).
7. Ardabili, Ahmad Bin Mohammad, *Zobdat al-Bayan fi Ahkam al-Quran (Essence of Statements on the Rulings of the Quran)*, Tehran: Al-Maktabah al-Ja'fariyyah, n.d.
8. Askalani, Ahmad Bin Ali, *Fath al-Bari Sharh Sahih al-Bukhari (The Opening of the Creator in the Explanation of Sahih al-Bukhari)*, Beirut: Dar al-Ma'rifah, 1379 AH (1959 CE).
9. Azhari, Mohammad Bin Ahmad, *Ma'ani al-Qira'at (Meanings of the Quranic Readings)*, Saudi Arabia: Nashr Markaz al-Buhuth - Jami'ah al-Malik Saud, 1412 AH (1992 CE).
10. Baharani, Yousef Bin Ahmad, *Al-Hada'iq al-Nazirah fi Ahkam al-Atarah al-Tahira (The Beautiful Gardens in the Rulings of the Pure Household)*, Qom: Daftar Intisharat-e Islami, 1405 AH (1984 CE).
11. Bayhaqi, Abu Bakr, *Ahkam al-Quran li al-Shafi'i (Rulings of the Quran for al-Shafi'i)*, Edited by Abdul Ghani Abdul Khaliq, Cairo: Maktabah al-Khanji, 1414 AH (1993 CE).
12. Bazzar, Ahmad Bin Amru, *Musnad al-Bazzar al-Manshur (The Published Musnad of al-Bazzar)*, Edited by Mahfouz al-Rahman Zain Allah, Medina, Saudi Arabia: Maktabah al-Ilmiyyah wa al-Hikam, 2009 CE.
13. Dani, Osman Bin Saeed, *Al-Taysir fi al-Qira'at al-Sab'ah (Facilitation in the Seven Readings)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi, 1404 AH (1983 CE).

14. Fadil Hindi, Mohammad Bin Hassan, *Kashf al-Litham wa al-Ibtihām 'an Qawaid al-Ahkam (The Unveiling and The Evidence of the Rules of Jurisprudence)*, Qom: Islamic Publications Office, 1416 AH (1995 CE).
15. Fadl Lankarani, Mohammad, *Kitab al-Taharah (Expositions, by Imam Khomeini)*, Tehran: Organization for the Publication and Dissemination of Imam's Works, 1422 AH (2001 CE).
16. Fadl Lankarani, Mohammad, *Tafsir al-Shariah fi Sharh Tahdhib al-Wasilah - Ahkam al-Takhalli (Explanation of the Sharia in the Explanation of Refinement of the Means - Rules of Renunciation)*, Qom: Islamic Publications Office, 1403 AH (1983 CE).
17. Fakhr Razi, Mohammad Bin Umar, *Mafatih al-Ghayb (The Keys to the Unseen)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1420 AH (1999 CE).
18. Farraa, Yahya Bin Ziyad, *Ma'ani al-Quran (The Meanings of the Quran)*, Researched by Ahmad Yusuf, Egypt: Dar al-Masriah li'l-Taleef, n.d.
19. Farsi, Hassan Bin Ahmad, *Al-Hujjah lil-Qura al-Sab'ah (The Argument for the Seven Readers)*, Researched by Badr al-Din Qahaji, Damascus/Beirut: Dar al-Mamon, 1413 AH (1992 CE).
20. Group of Authors, *Al-Mawsu'ah al-Fiqhiyah al-Kuwaitiyah (The Kuwaiti Jurisprudential Encyclopedia)*, Kuwait: Dar al-Salasil, 1404 AH - 1427 AH (1983 CE - 2007 CE).
21. gazanfari, A., Ardestani, F., & ghorbankhani, Z. (2023). Examining the interpretive differences of the two parties regarding the legislative verses of the field of marriage. Comparative Studies of Quran, 8(2), -. doi: 10.22034/cs.q.2023.190666
22. Har'ami, Mohammad, *Al-Qira'at al-Mutawatirah wa Atharah (The Consecutive Readings and Their Impact)*, Damascus: Dar al-Fikr, 1419 AH (1998 CE).
23. Hur Ameli, Mohammad Bin Hassan, *Wasa'il al-Shia (The Means of the Shia)*, Qom: Mo'asseseh Al al-Bayt, 1409 AH (1989 CE).
24. Ibn Abidin, Mohammad Amin Bin Umar, *Radd al-Muhtar ala al-Dur al-Mukhtar wa Hashiya Ibn Abidin (Response to the Chosen One and the Gloss on the Son of Abidin)*, Beirut: Dar al-Fikr, 1412 AH (1991 CE).
25. Ibn Adris, Mohammad Bin Mansur, *Al-Sarair al-Hawi li Tahrir al-Fatawa (Hidden Treasures in the Compiling of Verdicts)*, Qom: Daftar-e Entesharat-e Eslami, 1410 AH (1990 CE).
26. Ibn al-Qasir, Ali Bin Umar, *Uyun al-Adillah fi Masa'il al-Khilaf bayna al-Fuqaha (Sources of Evidence in the Issues of Disagreement Among Jurists)*, Riyadh: Maktabat al-Malik Fahd, 1426 AH (2005 CE).
27. Ibn Ashmuni, Ahmad Bin Abd al-Karim, *Manar al-Huda fi Bayan al-Waqf wa al-Ibtida (The Lighthouse of Guidance in Explaining the Stop and Start in Quranic Verses)*, Edited by Sharif Abu al-Ala al-Adawi, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1422 AH (2001 CE).

28. Ibn Ashur, Mohammad al-Tahir Bin Mohammad, *Al-Tahrir wa al-Tanwir (The Elaboratoin and Clafication)*, Tunisia: Dar al-Tunisiyyah lil-Nashr, 1984 CE.
29. Ibn Hayyan, Mohammad Bin Yusuf, *Al-Bahr al-Muhit fi Tafsir (The Vast Sea in Interpretation)*, Researched by Sadiqi Mohammad Jameel, Beirut: Dar al-Fikr, 1420 AH (1999 CE).
30. Ibn Hayyan, Mohammad Bin Yusuf, *Al-Bahr al-Muhit fi Tafsir (The Vast Sea in Interpretation)*, Researched by Sadiqi Mohammad Jameel, Beirut: Dar al-Fikr, 1420 AH (1999 CE).
31. Ibn Hazm, Mohammad Ali Bin Ahmad, *Al-Muhalla*, Beirut: Dar al-Fikr, n.d.
32. Ibn Hisham, Abdullah Bin Yusuf, *As'ila wa Ajwiba fi I'rab al-Quran (Questions and Answers about the Arabic Grammar of the Quran)*, Edited by Mohammad Naghash, Medina, Saudi Arabia: Nashr 'Imadat al-Buhuth al-'Ilmiyyah bi al-Jami'ah al-Islamiyyah, 1403 AH (1983 CE).
33. Ibn Jawzi, Abdul Rahman Bin Ali, *Zad al-Masir (Provision of the Journey)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi, 1422 AH (2001 CE).
34. Ibn Jawzi, Abdul Rahman Bin Ali, *Zad al-Masir fi Ilm al-Tafsir (Provision of the Journey in the Science of Interpretation)*, Researched by Abdul Razzaq al-Mahdi, Beirut: Dar al-Kutub al-Arabi, 1422 AH (2001 CE).
35. Ibn Jinni, Osman, *Al-Muhtasib fi Tabyin Wajh Shawa'iz al-Qira'at wa al-Izah Anha (The Examiner in Explaining the Peculiar Aspects of Recitations and Clarification Thereof)*, No place, Published by the Ministry of Awqaf, 1420 AH (1999 CE).
36. Ibn Kathir, Ismail Bin Umar, *Tafsir al-Quran al-Azim (Exegesis of the Great Quran)*, Researched by Sami Bin Mohammad, No place, Dar Tayyibah lil-Nashr, 1420 AH (1999 CE).
37. Ibn Mujahid, Ahmad Bin Musa, *Al-Sab'ah fi al-Qira'at (The Seven in the Recitations)*, Egypt: Nashr Dar al-Ma'arif, 1400 AH (1980 CE).
38. Ibn Qasih, Ali Bin Osman, *Siraj al-Qari al-Mubtadi wa Tadhkar (The Lamp of the Beginner Reader and the Reminder)*, Egypt: Matba'at Mustafa al-Babi al-Halabi, 1373 AH (1953 CE).
39. Ibn Qudamah, Abdullah Bin Ahmad, *Al-Mughni (The Enricher)*, Egypt: Nashr Maktabat al-Qahira, 1388 AH (1968 CE).
40. Ibn Rushd al-Qurtubi, Mohammad Bin Ahmad, *Al-Muqaddimat al-Mumahhidat (Introductory Foundations)*, Researched by Mohammad Haji, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami, 1408 AH (1988 CE).
41. Ibn Rushd, Mohammad Bin Ahmad, *Bidayat al-Mujtahid wa Nihayat al-Muqtasid (The Beginning of the Interpreter and the End of the Moderate)*, Egypt: Nashr Dar al-Hadith, 1425 AH (2004 CE).



42. Ibn Tarhuni, Mohammad Bin Razq, *Tafsir wa al-Mufasssirun fi Gharb Afrika (Exegesis and Commentators in West Africa)*, Saudi Arabia: Dar Ibn al-Jawzi, 1426 AH (2005 CE).
43. Ibn Taymiyyah, Ahmad Bin Abdul Haleem, *Majmu' al-Fatawa (Collection of Verdicts)*, Researched by Abdul Rahman Bin Mohammad Bin Qasim, Saudi Arabia: Majma' al-Malik, 1416 AH (1996 CE).
44. Ibn Zahrah, Hamzah Bin Ali, *Ghunyat al-Nuzul ila Ilmi al-Usul wa al-Furu' (Desire for Knowledge in the Principles and Branches of Jurisprudence)*, Qom: Imam Sadiq (AS) Institute, 1417 AH (1996 CE).
45. Jassas, Ahmad Bin Ali, *Ahkam al-Quran (Rulings of the Quran)*, Edited by Abdul Salam Mohammad, Beirut: Nashr Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1415 AH (1994 CE).
46. Kasani, Abu Bakr Bin Mas'ud, *Bada'i al-Sana'i (The Beginning of Crafts)*, Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, n.d.
47. Khatib Shirbini, Mohammad Bin Ahmad, *Mughni al-Muhtaj ila Ma' refat Ma'ani al-Fadh (The Resourceful Guide to Understanding the Meanings of Words)*, Beirut: Nashr Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 1415 AH (1994 CE).
48. Khoei, Abu al-Qasim, *Al-Bayan fi Tafsir al-Quran (Exposition in the Interpretation of the Quran)*, Beirut: Dar al-Zahra 'Alaiha al-Salam, n.d.
49. Khoei, Abu al-Qasim, *Al-Mu'tamad fi Sharh al-Manasik (Reliable Explanation of Rituals)*, Qom: Madreseh Dar al-Ilm, 1410 AH (1989 CE).
50. Khoei, Abu al-Qasim, *Manhaj al-Salihin (The Methodology of the Righteous)*, Qom: Madinat al-Ilm, 1410 AH (1989 CE).
51. Khoei, Abu al-Qasim, *Mawsu'ah al-Imam al-Khoei (Encyclopedia of Imam al-Khoei)*, Qom: Mo'asseseh Ihya Athar al-Imam al-Khoei, 1418 AH (1997 CE).
52. Khomeini, Sayyid Ruhollah, *Tahrir al-Wasilah (Editing of Al-Wasilah)*, Qom: Mo'asseseh Matbuat Dar al-Ilm, n.d.
53. Ma' refat, Mohammad Hadi, *'Ulum Qur'ani (Quranic Sciences)*, Qom: Institute of Cultural Publications, 1381 SH (2002 CE).
54. Majlisi, Mohammad Bin Baqir, *Mir'at al-'Uqul fi Sharh Akhbar Aal al-Rasul (The Mirror of Minds in Explaining the Traditions of the Progeny of the Messenger)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 1404 AH (1983 CE).
55. Makarem Shirazi, Naser, *Anwar al-Faqahah (The Lights of Jurisprudence)*, Qom: Imam Ali Bin Abi Talib School, 1425 AH (2004 CE).
56. Mohammad al-Habash, *Al-Qira'at al-Mutawatirah wa Atharuha fi al-Rasm al-Qur'ani wa al-Ahkam al-Shar'iyah (The Mutawatir Readings and their Impact on Quranic Script and Legal Rulings)*, Damascus: Dar al-Fikr, 1419 AH (1999 CE).
57. Mohammad Salim Muhsin, *Al-Qira'at wa Atharuha fi Ulum al-Arabiyyah (The Readings and their Impact on Arabic Sciences)*, Cairo: Maktabat al-Kuliyyat al-Azhariyah, 1404 AH (1984 CE).

58. Momen Qomi, Mohammad, *Kalimat Sadi'dah fi Masa'il Jadidah (Solid Words on New Issues)*, Qom: Islamic Publications Office, 1415 AH (1994 CE).
59. Mousavi Ameli, Mohammad Bin Ali, *Madaarik al-Ahkam fi Sharh 'Ibadat Shara'i' al-Islam (The Levels of Rulings in Explaining the Rituals of Islamic Laws)*, Beirut: Al al-Bayt Institute, 1411 AH (1991 CE).
60. Muhaqqiq Hilli, Ja'far Bin Hassan, *Al-Mukhtasar al-Nafi fi Fiqh al-Imamiyah (The Beneficial Summary in the Jurisprudence of the Imamiyah)*, Qom: Institute of Religious Publications, 1418 AH (1997 CE).
61. Muhaqqiq Hilli, Ja'far Bin Hassan, *Shara'i al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram (The Islamic Laws in the Matters of Permissible and Prohibited)*, Qom: Isma'iliyyun Institute, 1408 AH (1987 CE).
62. Muhaqqiq Thani Amili, Ali Bin Hussain, *Jami' al-Maqasid fi Sharh al-Qawa'id (The Compilation of Purposes in Explaining Principles)*, Qom: Institute of Al al-Bayt, 1414 AH (1993 CE).
63. Najafi, Mohammad Hassan, *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i' al-Islam (The Jewels of Speech in Explaining Islamic Laws)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath, 1404 AH (1984 CE).
64. Najafi, R. (2023). Meaning-based Quotation; The Key to Understanding the Differences in Companions' Masahif. 5- QERA'T, 10(19), 9-33. doi: 10.22034/qer.2023.7582
65. Nawawi, Yahya Bin Sharaf, *Al-Majmu' Sharh al-Muhadhab (The Comprehensive in Explaining the Muhadhab)*, No Place: Dar al-Fikr, n.d.
66. Nawawi, Yahya Bin Sharaf, *Al-Minhaj Sharh Sahih Muslim (The Path in Explaining Sahih Muslim)*, Beirut: Dar Ihya al-Turath, 1392 AH (1972 CE).
67. Nisaburi, Ahmad Bin al-Hussein, *Al-Mabsut fi al-Qira'at al-Ashr (The Expanded in the Ten Readings)*, Researched by Sabeeh Hamzah, Damascus: Majma' al-Lughah al-Arabiyyah, 1981 CE.
68. Qadi Abdul Wahhab, *Al-Ashraf 'Ala Nukat Masa'il al-Khilaf (The Nobility Concerning Points of Disagreement in Issues)*, Habib Bin Tahir, No Place: Dar Ibn Juzam, 1420 AH (1999 CE).
69. Qadi, Abdul Fattah Bin Abdul Ghani, *Al-Budur al-Zahirah fi al-Qira'at al-Ashr al-Mutawatirah (The Manifest Moons in the Ten Recitations)*, Beirut: Dar al-Kitab, n.d.
70. Qadusi, Abdul Razzaq Bin Hamoodah, *Athar al-Qira'at al-Qur'aniyah fi al-Sinaiyah al-Mujamiah Taj al-Urus (The Impact of Quranic Readings in Lexicography: The Crown of the Bride)*, Helwan University, 1431 AH (2010 CE).



71. Raeeni, Mohammad Bin Mohammad Bin Abdulrahman, *Mawāhib al-Jalīl fī Sharh Mukhtaṣar Khalīl (The Generous Gifts in the Explanation of Khalīl's Summary)*, Beirut: Dar al-Fikr, 1412 AH (1991 CE).
72. Sabzawari, Mohammad Baqir, *Dhakhirat al-Ma'ad fī Sharh al-Irsahad (Treasure of Return in Explanation of Guidance)*, Qom: Institute of Al al-Bayt, 1247 AH (1831 CE).
73. Sadiq Hassan Khan, Mohammad, *Nayl al-Maram min Tafsir Ayat al-Ahkam*, Researched by Mohammad Hassan Ismail, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 2003 CE.
74. Saduq, Mohammad Bin Ali, *Al-Mughni (The Sufficing)*, Qom: Imam Hadi Institute, 1415 AH (1995 CE).
75. Samarkandi, Nasr Bin Mohammad, *Bahr al-Ulum*, N.p., n.p, n.d.
76. Sarakhsi, Mohammad Bin Ahmad, *Al-Mabsut*, Beirut: Dar al-Ma'arif, 1414 AH (1994 CE).
77. Sayis, Mohammad Ali, *Tafsir Ayat al-Ahkam (Interpretation of Verses of Judgments)*, Edited by Naji Sowidan, Egypt: Al-Maktaba Al-Asriyah, 2002 CE.
78. Sayis, Mohammad Ali, *Tafsir Ayat al-Ahkam (Interpretation of Verses of Judgments)*, Edited by Naji Sowidan, 2002 CE.
79. Shahid Thani, Zain al-Din Bin Ali, *Masalik al-Afham ila Tanqih Sharia al-Islam (Pathways of Understanding in Clarifying Islamic Laws)*, Qom: Institute of Islamic Knowledge, 1413 AH (1992 CE).
80. Sharif Mortaza, Ali Bin Hassan, *Al-Intisar fī Unfuradat al-Imamiyyah (Victory in the Singularities of Imamiyyah)*, Qom: Islamic Publications Office, 1415 AH (1994 CE).
81. Shawkani, Mohammad Bin Ali, *Nayl al-Awtar*, Researched by Isam al-Din al-Sababti, Egypt: Dar al-Hadith, 1413 AH (1993 CE).
82. Shaybani, Ahmad Bin Hanbal, *Musnad Ahmad Bin Hanbal*, Researched by Adil Murshid, No Place, Institute of the Message, 1421 AH (2000 CE).
83. Sib, Khairuddin, *Athar al-Qira'at al-Qur'aniyah fī Ikhtilaf al-Ahkam al-Fiqhiyah (The Effect of Quranic Recitations on the Differences in Jurisprudential Rulings)*, Algeria: Dar al-Khaldooniyah, 1428 AH (2007 CE).
84. Tabari, Mohammad Bin Jarir, *Jami' al-Bayan fī Tawil al-Quran (The Comprehensive Presentation on the Interpretation of the Quran)*, Researched by Ahmad Mohammad Shakir, No Place, Institute of the Message, 1420 AH (1999 CE).
85. Tabatabai Yazdi, Mohammad Kazem, *Al-'Urwah al-Wuthqa (by al-Sayyid)*, Beirut: Foundation for Knowledge, 1409 AH (1988 CE).
86. Tabrizi, Mirza Javad, *Manhaj al-Salihin (The Path of the Righteous)*, Qom: Majma al-Imam al-Mahdi, 1426 AH (2005 CE).

87. Tusi, Mohammad Bin Hassan, *Al-Khilaf*, Qom: Islamic Publications Office, 1407 AH (1987 CE).
88. Tusi, Mohammad Bin Hassan, *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyah (The Expanded Explanation of Imami Law)*, Tehran: Al-Murtadawi Library, 1387 AH (1967 CE).
89. Zohaili, Wahbah Bin Mustafa, *Al-Fiqh al-Islami wa Adillatuh (Islamic Jurisprudence and its Evidence)*, Damascus: Dar al-Fikr, n.d.
90. Zamakhshari, Mahmoud Bin Amr, *Al-Kashaf 'an Haqaiq Ghawamid al-Tanzil (The Discovery of the Truths of the Mysteries of Revelation)*, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 1407 AH (1986 CE).
91. Zarkashi, Mohammad Bin Abdullah, *Al-Burhan fi Ulum al-Quran (The Proof in the Sciences of the Quran)*, Edited by Mohammad Abul Fadl Ibrahim al-Babi, Dar Ihya al-Arabiyyah, 1376 AH (1956 CE).
92. Zarqani, Mohammad Abdul Azim al-Zurqani (Died: 1367 AH), *Manahil al-Irfan fi Ulum al-Quran (Fountains of Knowledge in the Sciences of the Quran)*, Issa al-Babi al-Halabi Press, 3rd Edition, n.d.
93. Zarnegar, M. (2023). Analysis of Ghina in the Recitation (Qira'at) of the Quran from the Perspective of the Quran and Islamic Jurisprudence. 5- QERA'T, 11(20), 131-156. doi: 10.22034/qer.2023.8455.